

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه دلیل اول محقق خوئی (ره)

محقق خوئی (ره) می‌فرماید موکّد آنچه که ما ذکر کردیم - مبنی بر اینکه ریشه ادعای شیخ طوسی (ره) در عدم روایت این سه بزرگوار جز از ثقه، کلام مرحوم کشی می‌باشد - این است که می‌بینیم شیخ طوسی (ره) ادعای عدم روایت جز از ثقه را اختصاص به این سه بزرگوار نمی‌دهد بلکه این ادعا را درباره راویان ثقه دیگر هم مطرح کرده است، چون فرمودند: «لغيرهم من الثقات الذين عرفوا بأنهم لا يروون إلا عن يوثق به». منظور شیخ طوسی (ره) از ثقات دیگر، همان اصحاب اجماعی است که مرحوم کشی مطرح کرده است.

و از طرفی، وقتی به کتب شیخ طوسی (ره) مراجعه می‌کنیم می‌بینیم توثیق راویانی را که غیر از این سه نفر از آنها روایت کرده‌اند را خود ایشان در بیاناتش قبول ندارد.^۱

علاوه بر این، نکته دیگری وجود دارد مبنی بر اینکه وقتی به خود فرمایشات شیخ طوسی (ره) مراجعه می‌کنیم می‌بینیم در بعضی مواردی که محمد بن ابی عمیر روایتی را به صورت ارسال نقل می‌کند خود شیخ تصریح می‌کند به اینکه این روایت مرسله است و توان معارضه با سایر روایات صحیحه را ندارد یعنی صحیحه ابن ابی عمیر را در حکم مسنده نمی‌داند. مثلاً؛

مورد اول: در کتاب تهذیب می‌فرماید: «وَأَمَّا مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: السَّائِبَةُ وَغَيْرُ السَّائِبَةِ سَوَاءٌ فِي الْعِتْقِ. فَأَوَّلُ مَا فِيهِ أَنَّهُ مُرْسَلٌ وَمَا هَذَا سَبِيلُهُ لَا يُعَارِضُ بِهِ الْأَخْبَارُ الْمُسْنَدَةُ»^۲

مورد دوم: در کتاب تهذیب می‌فرماید: «فَأَمَّا مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ رَوَى لِي عَنْ عَبْدِ اللَّهِ يَعْنِي ابْنَ الْمُغِيرَةِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): أَنَّ الْكُرَّ سِتْمَانَةَ رِطْلٍ. فَأَوَّلُ مَا فِيهِ أَنَّهُ مُرْسَلٌ غَيْرُ مُسْنَدٍ»^۳

۱. معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرجال، ج ۱، ص ۶۴ «... و يؤكد ما ذكرناه أن الشيخ لم يخص ما ذكره بالثلاثة المذكورين بل عممه لغيرهم من الثقات الذين عرفوا بأنهم لا يروون إلا عن يوثق به».

و من الظاهر أنه لم يعرف أحد بذلك من غير جهة دعوى الكشي الإجماع على التصحيح، و الشيخ بنفسه أيضا لم يدع ذلك في حق أحد غير الثلاثة المذكورين في كلامه.»

۲. تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان)، ج ۸، ص ۲۵۷، ح ۱۶۵

۳. همان، ج ۱، ص ۴۳، ح ۵۸

مورد سوم: درباره صفوان بن یحیی می فرماید: « مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الدَّعَشِيِّ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَانَ الزِّيَّاتِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ ابْنَةَ عَمِّهِ وَ قَدْ أَرْضَعَتْهُ أُمُّ وَلَدِ جَدِّهِ هَلْ تَحْرُمُ عَلَى الْغُلَامِ أُمُّ لَأ؟ قَالَ لَأ. فَهَذَا خَبَرٌ مَقْطُوعُ الْإِسْنَادِ مُرْسَلٌ وَمَا هَذَا حُكْمُهُ لَأ يُعْتَرَضُ بِهِ الْأَخْبَارُ الصَّحِيحَةُ الطَّرُقُ. »^۴

والله المستعان

۴. همان، ج ۷، ص ۳۲۵ - ۳۲۶، ح ۴۹